

دانشگاه فرهنگیان

دو فصلنامه علمی تخصصی

پژوهش در آموزش زبان و ادبیات عرب

دوره دوم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۹

مؤلفه‌های پایداری

در مجموعه داستانی «حدث ذات جدار» اثر سناء الشعلان

ارسال: ۱۳۹۸/۰۴/۱۷

*دکتر نعیم عموری^۱، مینا مجدم^۲

پذیرش: ۱۳۹۹/۰۲/۲۰

چکیده

ادبیات همواره عرصه‌ی مفاهیم والای انسانی بوده و نهانی‌ترین صحنه‌های زندگی بشر را به تصویر می‌کشد و جنگ و مقاومت به‌عنوان یکی از مهم‌ترین جلوه‌های زندگی بشر در ادبیات نمود بارزی یافته و همواره ادیبان و نویسندگان از این مهم مستثنی نبوده و به خلق آثار زیبایی در این زمینه دست یازیده‌اند. سناء الشعلان از نویسندگان برجسته عصر حاضر است که رسالت خود را در جهت اهداف مقاومت و رویکرد ستیزه‌جویانه آن و به منظور آزادسازی سرزمین‌های اسلامی از سلطه‌ی رژیم صهیونیست اختصاص دارد و با اثرپذیری از آموزه‌های دینی و باورهای اسلامی موجبات ارتقای روحیه‌ی مبارزان را فراهم آورد. مقاومت و جاودانگی، والای در زنان، ترسیم چهره‌ی دشمنان، هجو دشمنان و آوارگی اضطراب و آشفتگی دشمن مهم‌ترین جلوه‌های پایداری در مجموعه داستانی او بشمار می‌آید. پژوهش حاضر به آن است که به بررسی ادبیات پایداری و مؤلفه‌های آن بپردازد. مقاله حاضر به منظور پیگیری مفهوم ادبیات پایداری و نقد و بررسی آن در مجموعه داستانی «حدث ذات جدار» با روش توصیفی-تحلیلی نوشته شده است.

واژگان کلیدی: ادبیات پایداری، مجموعه حدث ذات جدار، سناء الشعلان.

۱ - (نویسنده مسئول) دانشیار گروه زبان و ادبیات عرب، دانشگاه شهید چمران اهواز

۲ - دانشجوی کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات عرب، دانشگاه شهید چمران اهواز

مقدمه

عنوان ادبیات پایداری معمولاً به آثاری اطلاق می‌شود که تحت تأثیر شرایطی چون اختناق و استبداد داخلی، نبود آزادی‌های فردی و اجتماعی، قانون‌گریزی و قانون‌ستیزی با پایگاه‌های قدرت و غصب سرزمین و سرمایه‌های ملی و فردی و ... شکل می‌گیرد. (آخوندزادگان، ۱۳۹۵: ۲)

بنابراین جان‌مایه این آثار با بیدار داخلی یا تجاوز بیرونی از همه حوزه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی یا اجتماعی و ایستادگی در برابر جریان‌های ضد آزادی است (سنگری، ۱۳۸۱: ۲۶)

ادبیات پایداری فلسطین به مجموعه آثار ادبی (اعم از شعر، داستان و ...) گفته می‌شود که توسط مردم فلسطین باشد نیز اطلاق می‌شود چرا که فلسطین از حد و چارچوب یک منطقه جغرافیایی خاص تجاوز کرده و به مسئله و موضوعی جهانی تبدیل شده است. اکنون مردم فلسطین با دشمنی روبه‌رو هستند که اگر بتواند، مسلمانان را از صفحه‌ی روزگار محو می‌سازد و در این کار آن تردید نمی‌کند؛ دشمنی که کمترین جرم او نسل‌کشی و نابود ساختن ریشه‌ی فلسطینیان و بلکه هر مبارزی است (مجیدی، ۱: ۱۳۹۰)؛ بنابراین می‌توان گفت ادبیات مقاومت همان فریاد شجاعانه در چهره‌ی ظالم و صیحه‌ی مظلوم در صورت غاصب مستبد است و ادبیات پایداری از فرزندان ملت می‌خواهد که این ننگ را نپذیرند. (سعدون، ۱۳۸۸، ص ۵۲). در پژوهش حاضر سعی بر آن است که مجموعه‌ی داستانی «حدث ذات جدار» اثر سناء شعلان بر اساس نقد ادبیات پایداری مورد بررسی قرار گیرد تا به پرسش‌های زیر پاسخ داده شود:

- ۱- مهم‌ترین مؤلفه‌های ادبیات پایداری از نگاه سناء شعلان چیست؟
- ۲- دیدگاه سناء شعلان در زمینه تأثیرات ظلم و ستم دشمن بر ملت فلسطین چیست؟
- ۳- محور اصلی و بنیادی مجموعه‌ی حدث ذات جدار چیست؟

فرضیه‌ها

۱- محور بنیادی که نویسنده داستان‌های این مجموعه را بر اساس آن نگاهش دیوار حائل است که نمادی تمام عیار از چهره خصمانه دشمن اسرائیلی و اعمال ظالمانه اوست.

۲- شعلان در پی قصه‌های خود ملت فلسطین را ملتی شجاع و مقاوم می‌خواند که گرچه دشمن طی سال‌های متمادی از هیچ جور و ستمی در حق آنان دریغ نکرده، اما روحیه‌ی جهادگرانه آنان همچون نگین صلابت و استواری است.

۳- نویسنده در اثنای مجموعه‌ی خود مؤلفه‌های همچون مقاومت و جاودانگی فلسطین، دلاوری زنان، اضطراب و آشفتگی دشمن، ترسیم چهره‌ی دشمن، هجو دشمنان و آوارگی را به تصویر می‌کشد. هدف از پژوهش حاضر بررسی «مجموعه حدث ذات جدار» اثر سناء شعلان از نظر نقد ادبیات پایداری است.

پیشینه پژوهش

آنچه درباره‌ی داستان‌ها و رمان‌های سناء شعلان نوشته شده است می‌توان به آثار زیر اشاره کرد: «راوی در قصه‌های کوتاه اردنی» (صالح محمود فرحان الخزاعله، دانشکده ادبیات، دانشگاه هاشمیه، الزرقاء اردن، ۲۰۱۵).

۲- «مشارکت زن عرب در زمان عربی نو». (معراج احمد، پژوهشکده‌ی آثار عربی و آفریقایی، دانشگاه جواهر لعل نهرو، دهلی نو، هند، ۲۰۱۰).

۳- «مکان پردازی در مجموعه قصه‌ی حدث ذات جدار» (سهیلا بلعربی، دانشکده ادبیات، دانشگاه محمد ابوضیاف، جزائر، ۲۰۱۶) و بسیاری آثار ارزشمند دیگر که در اینجا مجال ذکر آن‌ها نیست.

آنچه در این مقاله به آن پرداخته شده است موضوع بررسی مؤلفه‌های ادبیات پایداری در مجموعه داستان حدث ذات جدار است که در هیچ‌یک از این آثار به این موضوع پرداخته نشده است؛ اما در زمینه ادبیات پایداری مقالات عدیدی به چاپ رسیده است که می‌توان از میان آن‌ها به: جلوه‌های کهن الگویی ادبیات پایداری در آثار سیمین دانشور اثر رئیسی سرحدی و تأثیر پایداری فلسطین بر گفتمان انسانی در دیوان فدوی طوقان اثر ترکشوند و بررسی مؤلفه‌های ادبیات پایداری در اشعار رضوی دعبل خزاعی اثر محمدی، اشاره کرد.

ضرورت و اهمیت تحقیق

مسئله فلسطین و مظلومیت مردمانش، از زمان تأسیس دولت غاصب اسرائیل همواره مورد توجه ادیبان و شاعران بوده است. لذا اقتضای غالب بر ادبیات اکثر کشورهای اسلامی متأثر از این فاجعه‌ی

انسانی است به گونه‌ای که بعضاً ادبیات پایداری امروزه با مسئله فلسطین می‌تپد. سناء شعلان به‌عنوان نویسنده و ادیبی مسلمان در آثار خود روح این نوع ادبیات را زنده کرده است؛ بنابراین بازخوانی مجموعه آثار او برای جهان اسلام دارای ارزش و اهمیت فراوانی است.

گذری بر زندگی سناء شعلان

سناء کامل احمد شعلان نویسنده اردنی در سال ۱۹۷۷ م در منطقه‌ای قدیمی در شهر «صویلح» که اغلب ساکنانش از گروه‌های مهاجرین این شهر بودند، به دنیا آمد. اولین کتاب قصه‌ای که در ۳ سالگی خواند «دراجه عماد» بود که در زمینه زبان عربی بود. پس از آن به نویسنده‌ی کوچک لقب داده شد؛ زیرا با نویسندگی الفت خاصی داشت و از همان کودکی داستان‌هایش را به مجله‌های اردنی «وسام» می‌فرستاد.

پس از آن تحت تأثیر رمان قرار گرفت و کتاب را در زمینه نمایشنامه و رمان و کتاب‌های نقد آغاز کرد. همچنین دارای دکترای ادبیات مدرن است و اکنون استاد این دانشگاه و عضو انجمن نویسندگان اردن و انجمن ادبیات عرب نیز است. از مجموعه آثار او می‌توان به کتاب «تعلیم اللغه العربیه الناطقین غیرها»، «مجموعه قصه‌های قافله العطش، ناسک الصوصعه، أرضا الحکایه و ...» و رمان‌های «عشقی، السقوط فی الشمس و ...» را نام برد.

خوانشی بر مجموعه داستان

مجموعه‌ی داستانی «حدث ذات جدار» نوشته‌ی سناء شعلان در سال ۲۰۱۳ م. با لهجه اردنی توسط مؤسسه نشر و توزیع عمان به چاپ رسید. این مجموعه از ۲۳ داستان تشکیل شده که همه‌ی آن‌ها گویای ظلم و ستمی است که دیوار حائل به ملت فلسطین روا داشته است. دیواری که وارد قلمرو فلسطینیان شده و نویسنده در هر یک از قصه‌ها نمونه‌ای از عواقب این غصب را با شخصیت‌های مختلف می‌نگارد. در برخی از آوارگی و دوری اجباری این ملت از سرزمین و اهل خود حکایت می‌کند و در برخی دیگر کشتار بی‌رحمانه ملت فلسطین را به تصویر می‌کشد. نویسنده این مجموعه را بر دو وجه اصلی تقسیم می‌کند: ۱- وجهی که شخصیت‌های داستان خود گویای مظلومیت خود هستند. ۲- در وجهی دیگر دیوار حائل است که خود راوی اعمال ظالم‌های می‌شود که به سبب خود او بر مردم روا می‌شود به گونه‌ای که نفرت و انزجار رژیم صهیونیستی را علیه خود برمی‌انگیزاند.

همچنین شعلان نور امید را در دل خواننده خاموش نمی‌کند و رشادت‌ها، شجاعت‌ها و روحیه‌ی مقاوم و جهادگرانه‌ی ملت رنج‌کشیده را در اثنای قصه‌ی خود می‌ستاید. در نهایت قصه‌های او با موضوع مشترک پایداری است و تنوع شخصیت‌ها که نمودی از واقع‌گرایی نویسنده است بر اساس جامعه فلسطین مقاوم زخم خورد است.

فلسطین اسطوره مقاومت و جاودانگی

مقاومت گزینه راهبردی ملت فلسطین و حقی مشروع در برابر رژیم غاصب صهیونیستی است و تا تحقق تمامی اهداف مورد نظرش از این حق دست بر نخواهد داشت. ملت قهرمان فلسطین بارها و بارها ایثار و فداکاری خود را در مقابله با اقدامات جنایت‌کارانه نیروهای اسرائیلی به اثبات رسانده است که این امر تنها نشان از ایمان به حقانیت و عدالت به‌عنوان آرمان فلسطینیان است.

نویسنده در اثنای این مجموعه اظهار داشته که اعمال خشونت‌آمیز و غیرانسانی صهیونیستی همانند ترور شخصیت‌های مردمی و کشتار کودکان و سلب آزادی و منحل کردن بنیان‌های خانواده و ... هیچ‌گاه نتوانسته است اثر مثبتی داشته باشد جز اینکه روحیه‌ی انتقام‌جویی و مبارزه و مقاومت را در مردم بیشتر می‌کند. همان‌طور که در گذشت روزگار باعث فراموشی سرزمین فلسطین نمی‌شود صداهایی که از اطراف جهان پیرامون فراموشی فلسطین زده می‌شود و صحبت‌هایی که استکبار جهانی با آن گوش فلک را کر کرده است باعث نمی‌شود که فلسطین آرامش خود را از دست بدهد چرا که فلسطین برای همیشه باقی خواهد ماند. (فضل‌الله: ۳۸۰)

یکی دیگر از مراحل مقاومت دریافت اسرار دشمنان و کشف نقشه آنان است. «اگر بخواهیم در برابر دشمن پایداری کنیم، باید آنان را خوب بشناسیم و از نقشه‌های آنان آگاه شویم تا عکس‌العمل مناسبی در برابر آنان داشته باشیم» (میرقادری، ۱۳۹۱: ۷۴).

به میزانی که انسان به توطئه‌گری‌ها و فتنه‌های دشمنان واقف گردد، می‌توان با استراتژیک‌ها و تاکتیک‌های متناسب از هر گونه حرکت تجاوزگرانه آن‌ها جلوگیری کرد.

«در زمان معین جهت عملیات دشمن که توسط نفوذی‌های آنان به دست آورده بودند هتلی را برای دستگیری انقلابیون فلسطین در نظر گرفته و منتظر آغاز عملیات بودند که خبر در هم شکستن پایگاهشان و اطلاعات غلطی که توسط جاسوس‌های دروغین به گوش آن‌ها رسیده بود را به آن‌ها منتقل کردند» (شعلان، ۲۰۱۳: ۷۵).

نویسنده در این متن از داستان روح مقاومت انقلابیون فلسطینی را در اطلاع از توطئه و نقشه‌های دشمن زنده می‌کند و آن‌ها را فرزندان با اصالتی می‌داند که جهت دفاع از وطن خویش به قلب دشمن نفوذ کرده و آنان را در هم می‌شکنند.

قرآن در این باره می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بَطَانَةً مِّن دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا وَدُوا مَا عَنِتُّمْ قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ وَمَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ إِن كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ﴾

آل عمران/۱۱۸

دلآوری زنان

جایگاه زن در ادبیات مقاومت، جایگاه مهم عنصر عاطفه و احساس در شعر و رمان است «در طول تاریخ بشریت زنان در بسیاری از حرکت‌های اجتماعی-سیاسی و در همه انقلاب‌ها و نهضت‌ها خصوصاً اسلامی دارای نقش محوری اعم از مثبت و منفی بوده‌اند.» (علم، ۱۳۹۱:۵۸).

مشارکت نظامی زنان فلسطین با استواری هرچه تمام‌تر با توطئه‌ها و مقاصد خرابکارانه برای بیرون راندن دشمن از سرزمین خود نادیده گرفتن حقوقشان انجام می‌شد (حجاب، ۱۹۹۰: ۲۵۵).

نویسنده نیز در قصه‌های سلاله‌ی نور خود از دلآوری‌های زنان فلسطینی این‌گونه می‌نویسد: «کمربند انتحاری به کمر بسته و به سمت دیوار حائلی که هر آنچه دوست می‌داشت از او گرفت، می‌رود. کنار درب ورودی می‌ایستد و ناگهان به شعله آتشی مبدل می‌شود که همه‌ی سربازان صهیونیست دور خود را می‌سوزاند» (شعلان، ۲۰۱۳: ۷۰).

شعلان در این قصه خشم زن فلسطینی نسبت به تعدی و بیدادگری‌های رژیم صهیونیست را همچون آتشی می‌داند که خاکسترش هیچ‌گاه خاموش نمی‌گردد و گدازه‌های آن در برابر جور و جفای دشمن همیشه شعله‌ور خواهد بود.

ترسیم چهره‌ی دشمنان

در نوشته‌های بیداری اسلامی، توصیف جنایت‌ها و بیدادگری‌های دشمنان در کشورهای اسلامی به خوبی نمایان است؛ و ادبیات از ابزارهای است که نویسنده توسط آن چهره‌ی اصلی دشمن را از پس پرده‌ی خشونت و جنایت‌های ظالمانه بیرون می‌کشد؛ زیرا «ادبیات پایداری و دفاع مقدس روایتگر

دردها، داغ‌ها، رنج‌ها، سروده‌ها و مرثیه‌های مردم است. مردمی که گدازه‌های درون را در اشک‌ها و آه‌ها نشان می‌دهند». (سنگری، ۱۳۸۹: ۶۲)

از این رو نویسنده برای نشان دادن اوج ظلم مستبدان نسبت به دیوار حائلی که اسرائیل غاصب آن را مانعی بین مادر و فرزند بیمارش قرار داده، قلم به دست می‌گیرد و این‌گونه می‌نگارد «مادر با وجود سربازان صهیونی که پوشیده از سلاح و ترس و هشدار بودند تصمیم به گذشتن از دیوار حائل کرد تا فرزند بیمارش را به آغوش کشد اما به محض خروج از آن دیوار به زندگی خود پایان داد و از آن جسدی سراسر گلوله به جرم تخریب آن دیوار بر روی زمین افتاد که نگهبان شب آن را پوتین سربازی‌اش له کرد و دستور داد او را به کناری انداختند درحالی‌که مادر دستش همچون چوب خشک‌شده بر سینه‌ای باقی ماند که آرزوی شیر دادن بچه‌اش حتی اگر یک بار هم شده را داشت». (شعلان/۲۸).

در این بخش از داستان، نویسنده مادر را به شیوه‌ای ترسیم کرده که هیچ قدرتی فرا روی او نمی‌تواند مانع به آغوش کشیدن فرزندش گردد، حتی به بهای از دست دادن جان خود و این‌چنین دلاوری‌ها از زنانی همچون وی که پوسته‌های ظلم و استبداد بیگانگان در برابر شجاعت و پایداری‌شان پوسته‌ای بس نازک است، هرگز بعید نخواهد بود.

اضطراب و آشفتگی دشمن

مرور مکرر خاطرات ناراحت‌کننده از رویداد، واکنش‌های فیزیکی شدید در زمان یادآوری رویداد کابوس و افسردگی، اضطراب همه و همه عواملی هستند که انسان مجرم پس از اعمال جرم خود احساس می‌کند و در نتیجه دچار آشفتگی می‌گردد که ممکن است هر لحظه به خود یا دیگران آسیب جدی بزند.

«قتل زن و فرزندان فلسطین که تنها گناهانشان عبور از دیوار حائلی بود توسط سرباز صهیونی در او حالتی از اضطراب و تشویش به وجود آورد که تنها راه علاج این آشفتگی را در کشتن همسر و فرزندان خود می‌دید، قتل خانواده‌ای که آن‌ها را بیش از هر کس دوست می‌داشت؛ زیرا مدام تصویر آن خانواده مظلوم فلسطین رهایش نمی‌ساخت.» (شعلان، ۲۰۱۳: ۶۴ و ۶۵).

نویسنده سعی کرده در این قصه از مجموعه داستانی اختلالات روانی که مجرم پس از ارتکاب عمل ظالمانه خود دچار آن می‌شود را به‌گونه‌ای به تصویر بکشد که روح انسان مظلوم همیشه زنده

خواهد ماند و دشمن با اعمال شنیعانه و کردار زشت خود به تشویش دچار می‌شود که مرگ تدریجی را با قاسیانه‌ترین حالات برایش رقم می‌زند.

قرآن کریم در این باره می‌فرماید: ﴿لَا يِقَاتِلُونَكُمْ جَمِيعًا إِلَّا فِي قُرَى مُحَصَّنَةٍ أَوْ مِنْ وَرَاءِ جُدُرٍ بَأْسُهُمْ

بَيْنَهُمْ شَدِيدٌ تَحْسَبُهُمْ جَمِيعًا وَقُلُوبُهُمْ شَتَّى ذَلِكِ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ﴾ حشر/۱۴

در ادبیات هجویه یا هجونامه، شعر یا نثری است که ضد مدح باشد و برای مقاصد گوناگونی به کار گرفته می‌شود؛ لحنی گزنده، صریح و گاه توهین‌آمیز دارد اما اگر برای بیان دردهای اجتماعی - سیاسی به کار رود؛ با زبانی ملایم‌تر سروده می‌شود. (محمد رضا. فرهنگ واژگان و اصطلاحات طنز، ۱۳۸۵).

به این نوع هجو (سیاسی، اجتماعی) هجو غیرمستقیم یا نزهت هم می‌گویند که از غرض‌های فردی فراتر رفته و جنبه‌های سیاسی اجتماعی به خود می‌گیرد، تأثیر بیشتری دارد و مهارت ادبی بسیاری می‌طلبد. (همان).

اما هجوگرایی در ادبیات فلسطین بن‌مایه‌ایست که نویسندگان و شعرا آن را به کار می‌گیرند تا هویت اصلی دشمن را به او متذکر شوند در واقع هجو دشمن، توانایی مبارزان و جهادگران را در انتخاب مسیر حق و ادامه آن یاری می‌دهد. سناء شعلان در این مجموعه قصه تلاش کرده تا در پس واژه‌ها و تعبیری که ظلم و تجاوزهای دشمن را به گونه‌ای وحشیانه به تصویر می‌کشد، دشمن را هجو کند.

هجو در قصه‌های او انسانیت و شرافت دشمن را مورد هدف قرار می‌دهد و رژیم صهیونیست را محکوم به جهلی می‌داند که او را از شناخت مالیکت اصلی این سرزمین باز می‌دارد.

«همانا بشر سنوات خود را با حادثه‌های مهم و ویژه تاریخ‌گذاری می‌کشد؛ اما آن‌ها (صهیونیست‌ها) تاریخ گنجشکان «فلسطین» را نمی‌دانند که می‌گوید: گنجشکان در دشت‌ها و جنگل‌ها و مزارع فلسطین در امنیت به سر می‌برند تا زمانی که دشمن آمد و درختان را قطع کرد و زمین‌ها را تصرف کرد و دیوار حائلی بین انسان‌ها ساخت، پرونده‌ها دلیلی برای موجودیت او و حقی برای تحریم آن‌ها از لانه‌شان نمی‌دانند» (شعلان، ۲۰۱۳: ۷۹).

نویسنده در این قصه فلسطینیان را به گنجشکانی تشبیه کرده که جای جای سرزمینشان مأمّن آن‌ها بود اما تجاوز صهیونیست‌ها به این مأمّن و این سرزمین و ادعا مالکیت آن‌ها و بنای دیوار حائلی که مصالح آن جز اعمال ستم‌های این رژیم نیست، این مأمّن را بدون هیچ حقی غصب کرده است.

بی‌خانمانی فلسطینی‌ها:

واژه‌ای است که در اشعار و نوشته‌های ادبیات پایداری حکایت از ظلم و ستمی می‌کند که بیش از ۴۰۰۰۰۰ تن فلسطینی مسلمان را مجبور به ترک خانه و کاشانه خود کرد. آوارهی فلسطینی اما نارضایتی خود را از پذیرش سرنوشتی که بر او تحمیل شده بود و او را موجودی پاک‌باخته و بی‌ارزش می‌ساخت با صدای بلند اعلام می‌کند و نویسنده با هنر ادبی خود فریاد بلندش را این‌گونه به تصویر می‌کشد:

«فلسطینیان که سرزمین خود را به سبب آوارگی که دیوار حائل برای آن‌ها ساخته بود و مانع از دیدار و برقراری ارتباط آن‌ها با یکدیگر شده بود، سرزمین فریادها نامیدند و فریادشان گردید.» (شعلان، ۲۰۱۳: ۵۵).

همان‌گونه که محمود درویش در توانایی انسان ستم‌دیده این‌گونه می‌سراید:

ما كنت أعرف تحت جلودنا ميلاد عاصفه و عرس جداول
نمی‌دانستم که در زیر پوست‌های ما تولد طوفان و عروسی جویباران است.
شاعر در این درام حماسی خبر از پیوستن جویباران (مستضعفین) و تولد طوفان (انقلاب) می‌دهد و به قدرت اعراب برای آزادی ایمان اشاره دارد.

نتایج:

در این پژوهش به موارد زیر دست یافتیم: پژوهش‌های علمی و مطالعات فرسنگی سناء شعلان که خود فلسطینی رانده‌شده از سرزمینش است، ظلم و ستم اشغال‌گران را در این مجموعه داستانی بیان نمود.

۲- جدار «دیوار» در تمامی مجموعه نماد جدایی فلسطینیان از سرزمینشان است.

۳- الشعلان در مجموعه داستان حدث ذات جدار تلاش نمود زندگی واقعی سراسر مظلومیت مردم فلسطین را در داستان‌هایی پراکنده با محوریت دیوار جداکننده بیان نماید.

۴- نویسنده در این مجموعه سعی داشته تا روحیه‌ی آزادگی و جهاد و استقلال‌طلبی را به واسطه برانگیختن حس وطن‌دوستی و انسان‌دوستی را تقویت کند.

۵- زنان در قصه‌های شعلان جایگاه ارزشمندی در دفاع از هویت ملی و حفظ عزت و آزادگی خود و خانواده خود دارند.

۶- نویسنده برخی قصه‌های خود را از زبان صهیونیست غاصب روایت می‌کند و هدف او از این حرکت معرفی چهره اصلی دشمن به روایت خودشان است که نفرت و بیزاری دشمن را از نفس خود برمی‌انگیزاند.

منابع

آخوند زادگان، امین. (۱۳۹۵). ادبیات پایداری و مقاومت در تاریخ اسلام و انقلاب اسلامی. کنگره بین‌المللی زبان و ادبیات. ص ۲

قران

سنگری، محمدرضا. (۱۳۸۳). ادبیات مقاومت. فصلنامه شعر. ش. ۳۹. ص ۴۵-۵۳

حجاب، نادیه. (۱۹۹۰) المرأ العربیة و دعوه التغبیر، دار الرياض الرئیس للکتب و النشر، لندن.

علم، محمدرضا و سمیره حزبوی، ۱۳۹۱، نقش و جایگاه زن در نهضت فلسطین، فصلنامه علمی- پژوهشی زن و فرهنگ، سال چهارم، ش. سیزدهم. ص ۲

محمدرضا، فرهنگ واژگان و اصطلاحات طنز. تهران: کاروان ۱۳۸۵. ۲۴۸. شابک ۹۶۴۸۴۹۷۲۸۱.

مجیدی، حسن. (۱۳۹۰). ادبیات مقاومت و فلسفه پیدایش مقاومت در کشورهای تحت اشغال. نشریه ادبیات

پایداری، دوره ۳. ش. ۵-۶. ص ۴۱۱

میرقادی، سید فضل‌الله و حسین کیانی، ۱۳۹۱، بن مایه‌های ادبیات مقاومت در قران، دو فصلنامه مطالعات ادبی

متون اسلامی ۱. ش اول. ص ۶

نجاریان، محمدرضا، ۱۳۸۸. «بن مایه‌های ادبیات پایداری در شعر محمود درویش». فصلنامه ادبیات

پایداری، دوره اول. ش اول. ص ۲